

۱۲ پادشاه‌های یک صحنه فوتبال ۳۳ → ^{امیر صدیقی}



Kondra196۸@yahoo.com

آلمان به حقش رسید

دیه‌گو فورلان امانر رسید

بازی آلمان-اروگوئه همه عناصر فوتبال جذاب را داشت: بازیکنان بزرگ، گل‌های زیاد، صحنه‌های جذاب، بالا و پایین شدن نتیجه و البته صحنه‌های دراماتیک، اما بازی انقدر که شاید حق آن بود تماشاگرانش را به خود جلب نمی کرد، دلیش هم مشخص است. بازی سوم و چهارمی، یک شب مانده به بازی فینال، همیشه به یک بازی دست‌گرمی یا پیش‌بازی بازی اصلی می‌ماند، کاری‌اش هم نمی‌شود کرد. بارش شدید باران و بادی که در ورزشگاه می‌وزید باعث شده بود سکوهای خالی زیادی در ورزشگاه نسبتاً کوچک ۵۰ هزار نفری به چشم بیاید و البته غیبت لام، کلوزه، پودولسکی و نویر در ترکیب آلمان‌ها هم این را القا می کرد که آنها به نوعی با تیم دوم خود به میدان آمده‌اند، به هر حال اما بازی با وجود این کاستی‌های اساسی‌اش بازی خوبی از کار درآمد و تماشاگرانش را راضی کرد.
■ بازی رده‌بندی جام پنج گل داشت که روی چهار گل آن اشتباهات مشخص فردی به چشم آمد. دروازه‌بان اروگوئه که تا این بازی بد کار نکرده بود دوباره به حریف هدیه می‌دهد. باستین شواین اشتایگر که در کل بازی‌ها بهترین بازیکن تیمش بود و واقعاً به ندرت توپ لو می‌داد با یک اشتباه ساده گلی را به اروگوئه هدیه داد و در گل آخر بازی هم دیه‌گو گودین که ستون دفاعی آبی کمرنگ‌ها بود، یک پاس گل عالی به خدیرا داد تا دست اروگوئه از سکو هم خالی بماند و فرصتی که بعد است تا سال‌های سال دوباره برای این تیم پیش بیاید، بسوزد. اما این همه اشتباه فاحش خیلی دراماتیک نشده، به راحتی به همین دلیل ساده که این بازی رده‌بندی بود نه بازی فینال که اشتباه در آن در تاریخ ثبت خواهد شد و ممکن است یک بازیکن فوتبال را به اوج ببرد یا از اوج با مغز زمین بزند.
■ شاید سومی تنها دلخوشی بود که می‌شد به آلمان داد. شاید اگر آلمان با برزیل روبه‌رو می‌شد ممکن بود شکست بخورد، اما واقعیت این است که ژرمن‌ها سخت‌ترین مسیر جام را طی کردند. استرالیا، صربستان و غنا گروه ساده‌ای نبود و بعد انگلستان، آرژانتین، اسپانیا و اروگوئه. پنج پیروزی و دو شکست- که یکی از آنها در نتیجه کلی می‌تاثیر بود- کارنامه بسیار قابل دفاعی است. ژرمن‌ها با تیمی که در ابتدا خیلی جدی گرفته نمی‌شد (و هیچ فوق ستاره‌ای نداشت) «تیم‌ترین» تیم جام شدند. شاید اگر آنها به جای اول شدن در گروه خود به دومی قناعت می‌کردند دیدار فینال را مقابل اسپانیا بر گزار می‌کردند و شاید اصلاً در آن بازی نمایش متفاوتی ارائه می‌کردند و اصلاً قهرمان جام می‌شدند. در این تیم پرمهر ته‌ساکر بهترین بازی‌های عمرش را به نمایش گذاشت، لام به رغم انتقادات قبل از شروع بازی‌ها نشان داد کاپیتان مناسبی است، پودولسکی در نقشی تخصصی به جز بازی مقابل اسپانیا نمایش فوق‌العاده‌ای داشت، اوایل یک پدیده شد، خدیرا معنی برای تیم جنگیند و مرد سایه بود را نمایش داد، کلوزه موثر بود و البته شواین اشتایگر یک ژنرال طراح فوق‌العاده بود. آلمان‌ها نقاط ضعف داشتند، کم هم نداشتند، اما به گونه‌ای برنامه‌ریزی کردند که تا حد ممکن نقاط ضعف خود را بپوشانند و از نقاط قوت خود استفاده کنند. به هر حال رتبه سومی پاداشی بود برای تیمی که فراتر از انتظار بازی کرد.
■ آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها و تا حدودی اسپانیایی‌ها یک حسن نسبت به آرژانتینی‌ها، برزیلی‌ها، هلندی‌ها و... دارند، آن هم نداشتن بازیکن لزبون در این کشورها است. در واقع سرمربی این تیم‌ها می‌توانند بهتر نغزات خود را زیر نظر داشته باشند و حتی در صورت لزوم با همکاری مربی‌های باشگاهی آنها را در پست‌های مورد نیاز تیم ملی محک بزنند. مدت‌زمان در اختیار داشتن بازیکنان در این کشورها هم بیشتر از کشورهای دیگر است. آلمان‌ها و اسپانیایی‌ها از این امتیاز به خوبی استفاده کردند، اما انگلیسی‌ها مثل اکثر سال‌های اخیر قدر فرصت خودشان را نداشتند.

■ ضربه‌ای که در آخرین ثانیه بازی اروگوئه- آلمان به تیر دروازه آلمان خورد، شاید دراماتیک‌ترین لحظه زندگی حرفه‌ای دیه‌گو فورلان باشد. حیف شد آن توپ فقط چند سانتیمتر، شاید حتی دو یا سه سانتیمتر، پایین‌تر نشست، واقعاً دو سانتیمتر چطور می‌تواند تعیین‌کننده باشد؟ آن توپ حریف شد، نه به خاطر اینکه اشتقاق اروگوئه کشاندن بازی به وقت اضافه یا احیاناً بردن آن بود، بلکه فقط برای اینکه فورلان به تنهایی مستحق بردن عنوان آقای گلی جام بود؛ عنوانی که برای همیشه در تاریخ می‌ماند. فورلان فصل فوق‌العاده‌ای را با انتلیکو مادرید پشت سر گذاشت و بعد از آن هم فوق‌ستاره تیم کشورش شد. فورلان در هر هفت بازی تیمش خوب بود، حتی خیلی خوب، در هیچ بازی‌ای افت نکرد و جدا از انجام وظایفش رهبر معنوی تیمش هم بود. گل فوق‌العاده‌ای که در بازی رده‌بندی زد با آن ضربه آزاد ثانیه‌های آخر اگر چند سانتیمتر پایین‌تر می‌نشست، تکمیل می‌شد و آن وقت می‌شد از نبود دیه‌گو فورلان در دوره بعدی جام جهانی ناراحت نبود چرا که نام او در کتاب تاریخ جام‌های جهانی ثبت می‌شد. (البته مطلب را ۲۴ ساعت مانده به برگزاری فینال و با این تفکر که داوید ویا با ولسلی اشتایدر در این بازی حاکمتر یک گل به ثمر برسانند، نوشتم).

→ **طالع**



امیرفید فرمی

پایان

تیم‌مجله در آوازه ۲۰۱۰

سالار با حمایت مالی صغری خانوم و مشاوره اسد الغزوه تیم محله رو راهی جام جهانی کرد. ما قاچاقی سوار کشتی نفتکش بودیم که لو رفتیم و جور همه رو من کشیدم تا تیم به تمرینات آمادسازی برسه که کشتی که دست دزدان دریایی افتاد. دزدان دریایی که از گرفتن مژگانگی ناامید شده بودند فوراً سالار رو خوردن و من رو گرو نگه داشتن تا تیم بره زوهانسبورگ و من شونه فرار کردم اما حین دودپن تو جنگل تو دام یه قبیله دیگه افتادم... هوا به شدت گرم و شرجیه و این در حالیه که تو آفریقای جنوبی برف میاد. اینجا، تو آفریقای جنوبی غری یعنی جایی که من هستم و بقیه نیستن. انگاری اقلیم هوایی خیلی با خود آفریقای جنوبی فرق می‌کنه. این رو با چشمای غیرمسلح که چه عرض کنم، با چشم‌های کور هم میشه فهمید. آخه مربوط به لاسه میشه. الان اشتها اسد الغزخره و صغری خانوم بعد از ادعای قهرمانی تیم محله در جام جهانی ۲۰۱۰، دارن به ماعسل فکر می‌کنن و شبنم و سالار هم از رحمت مصاحبه‌های تلفنی خلاص شدن. سالار با اون ژانگول‌های شبنم که بین دونیمه فینال اسپانیا – هلند از خودش دراورد، به باشگاه خوب تو اروپا پیدا کرده و میره اونجا بقیه عمرش رو توپ جمع کن ارشد میشه. فکر کنم حتی شاهین هم داره به دروازه‌های جدیدی که به روش باز شده، فکر می‌کنه. اونم با راه انداختن اون گروه موسیقی تلفیقی با سه تا ملوان اهل ماداگاسکار کشتی نفتکش، احتمالاً واسه خودش تیم بشه. هر کی به هر کی دیگه. همین که یه مشت آدم احق شب شروع جام جهانی بدون هیچ برنامه‌ریزی قبلی تصمیم بگیرن تیم بفرستن واسه جام جهانی و پاشون به زوهانسبورگ برسه خودش یه شگفتی حساب میشه. در این حد موفقیت هم برای همچی آدم‌هایی زیاد. خیلی‌ها از ۴۰ سال پیش برنامه‌ریزی می‌کنن و به یک‌دوم این هم نمی‌رسن. این نشون میده همه چی حساب شده و برنامه نیست. یه صغری خانوم دیوانه که اسپاسر شه و یه اسد الغزخره که پوتونه ۲۰ نفر آدم رو تو بشکه سوار نفتکش قاچاقی بفرسته آفریقای جنوبی هم لازم. تازه به اینها صدرا هکر و شبنم خواهرم که هر جور می‌خواد اطلاع‌رسانی می‌کنه و سالار که خوب بلده از آب گل آلود ماهی بگیره رو اضافه کنین. یکی هم پیدا میشه مثل ساسان که همه کنار می‌ذارنش و خودش با تلاش میاد بالا؛ حالا شده ادای میمون رو واسه پشیرفت درباریه، چه فرقی می‌کنه. در این اوضاع که وضع همه همراهان سابق من خوب و خوش به نظر می‌رسه، خوبه بدونین که تمام امید من به نگاه مهرون دختر سیاه‌سوخته و لاغریه که در فاصله ۱۰ متری من نشسته و به چشم غذایی که تمام قبیله‌هاش رو از گشنگی و قحطی نجات میده، نگاه می‌کنه. با کلی عشوهِ خرکی نگاهش کردم بلکه دلش به رحم بیاد. زبونش رو بلد نیستم و‌گرنه حتماً بهش پیشنهاد ازدواج می‌دادم. فکر کنم تنها حالتی که ازدواج رو خیلی مطبوع می‌کنه این حس در معرض پختگی قرار گرفتن باشه. خدایی با اینکه هیچی پول ندارم، هر چی بخواد مهرش می‌کنم. البته فکر نکنم اینها اصلاً به مهریه عقیده‌ای داشته باشن. خیلی متفاوتتر از این حرف‌ها به نظر میان. کاشکی دختر رئیس قبیله باشه. اونجوری نونم تو روغنه. یه عمر مفت می‌خورم و می‌خواهم، چه خویه‌ها... وای نورو... به هرچی اعتقاد داری نرو. البته وقتی اینا دارن من رو می‌بزن که نوش جان کنن اصلاً فکر نکنم به چیزی اعتقاد داشته باشن. جز همون شکم از گشنگی باد کرده بچه‌های قد و نیم‌قدشون که الان دور آتیش دارن بلبله می‌کنن. به لحظه به خودم اودمم. درسته که دارم می‌پزم و بعد از پخته شدن به احتمال ۱۱۰ تا ۳۰۰ درصد خورده میشم، ولی لافاقل در تمام دوران زندگی‌ام به یه دردی خوردم. اگه باهام اینقدر از شعله اذیت نمی‌شد، حتماً به این موضوع به شدت افتخار می‌کردم. حالا هم با تمام افتخاری که این خورده شدن به دست این آدمای بیچاره داره، دارم فکر می‌کنم کاش تصمیم بگیرن ازم سوپ درست کنن، بلکه یه خرده آبش رو زیاد کنن. آخه من کیابم برای اینا خیلی کمه. سیرر نمیشن. یه خرده شل به نظر میام. دیگه دارم کش میام. نه، سیرلال ایرانی نیست که الان صغری خانوم و شبنم و سالار و اسد الغزخره از راه برسن نجاتم بدن. خود واقعیته. اونها دنبال زندگی خودشون. منم این کاغذها رو میدم به این دختره بندازه تو شیشه، بسیره به امواج اقیانوس.

انگلیس؛ بزرگ‌ترین بزرگ ناکام جام جهانی

انگلیس؛ بزرگ‌ترین بزرگ ناکام جام جهانی

پوشان سیاه سفید

◀ جاناتان ویلسون/کاردین

دیروز یک قهرمان جدید به لیست هفت‌تیمه فاتحان جام جهانی افزوده شد. در واقع آخرین بار سال ۱۹۹۸ اتفاق مشابهی رخ داده بود و فرانسه در خانه برای نخستین مرتبه معتبرترین جام فوتبال دنیا را بالای سر برد. آرژانتین در جام جهانی ۱۹۷۸ و انگلیس در سال ۱۹۶۶ دیگر صاحبخانه‌هایی نام داشتند که اولین بار جلوی چشم تماشاگران خودی جشن قهرمانی برپا کردند. اینها را گفتیم تا بدانید قهرمان جام جهانی ۲۰۱۰ کاری بزرگ‌تر از سایر تیم‌هایی که برای نخستین مرتبه جام را بالای سر بردند، انجام داده است. چرا؟ چون در حقیقت اولین قهرمانی اروپا در قاره‌ای دیگر را رقم زدند. فینالیست‌های دیشب، گذشته و حال حسرت‌برانگیزی دارن. سبک رویارویی فوتبال هلند در دهه ۷۰ جانی دوباره به تاکتیک‌های فوتبال دنیا بخشید و اسپانیا با سبک «تیکي تاکا» پس از فرانسه طلایی اواخر دهه ۹۰ و اوایل قرن جدید، تاثیرگذارترین تیم دو تورنمنت پایپی نام گرفت. غیر از این مسائل، جام جهانی داستان‌های زیبای دیگری هم در پی داشت. کیفیت حمل و نقل عمومی در سطح مطلوبی نبود و اکثر بازی‌ها جذابیت لازم را نداشت. تیم‌های بزرگ مطابق انتظار ظاهر نشدند و شور و حال ویژه‌ای در استادیوم‌ها دیده نشد اما شگفتی‌سازی تیم‌های کوچک رنگ شادی به جام بخشید؛ آنچه کمتر کسی انتظارش را داشت.

۱۰ دقیقه پایانی بازی ایتالیا و اسلواکی، پیروزی حماسی امریکا در آخرین ثانیه‌های جدال با الجزایر، صحنه‌های باورنکردنی ثانیه‌های تلف‌شده وقت دوم اضافه بازی غنا و اروگوئه (فیفا خطای هند در آستانه دروازه را گل اعلام کرد!) و شکست سنگین انگلیس مقابل آلمان رقیب دیرینه، همه و همه در خاطرات باگانی شد. شاید کشور رنگین‌کمان به شکل دیگری نمی‌توانست بگوید جام جهانی هر جا باشد، زیاست. البته هنوز نباید ذوق‌زده شد چون سطح بازی‌ها ثابت کرد کماکان لیگ قهرمانان به لحاظ کمی و کیفی جذاب‌تر به نظر می‌رسد و حقیقتاً کمتر فوتبال‌دوستی در صحت چنین ادعایی تردید دارد. جام جهانی هر چقدر زشت

◀ حمید سهرابی

آلمان و اروگوئه هر دو راضی

سال پنجم ■ شماره ۱۰۰۹ ■ دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۸۹

انگلیس؛ بزرگ‌ترین بزرگ ناکام جام جهانی

پوشان سیاه سفید

و هر چقدر نجسب، تاریخ و عاشقانی خاص را پشت سرش می‌بیند. اگر این فرضیه واقعیت نداشت، باختن در بزرگ‌ترین فست‌تیوال دنیا اشکار آور نبود، پیروزی آدم‌ها را به خلسه نمی‌برد و به دست گرفتن جام آرزوی همگانی نمی‌شد. پس می‌بینید جهان، صحنه یکتای نبردی کلاسیک را تجربه کرد. شاید ستاره‌های بزرگ هر سال فرصت بازی در لیگ قهرمانان را به دست بیاورند. با این حال بازیکنان غنا و اروگوئه که هر چهار سال یک بار اجازه هنرنمایی را به دست نمی‌آورند، چون اولین فرصت را آخرین فرصت می‌پندارند جنگ زیبایی را ترتیب می‌دهند و ناخواسته به جذابیت جام جهانی کمک می‌کنند. لیگ قهرمانان در بهترین حالت، نهایتاً یک دوره، رقابت میان بهترین‌های اروپاست اما جام جهانی نمایشگاه هنرمندی همه لایق‌ها تلقی می‌شود و به دلیل تسامح در غریال برترین‌ها بازی با پایان طلایی ندارد. جام جهانی فراموشکار نیست. به همین دلیل امثال مارادونا و کرویف به خاطر درخشش فراوان ابدی شده‌اند؛ حتی اگر دور از چشم مردم باشند. از طرفی چنانچه نام شما جان تری و استیون جرارد باشد، به لطف سابقه درخشان فرصت‌های بیشتری در اختیارتان قرار می‌گیرد تا بلکه ضربه آخر را محکم‌تر بزنید. شایعات حکایت از پایان طلایی تیم ملی انگلیس دارد، هر چند جرمن دِفو ادعا کرد این تیم چهار سال دیگر می‌تواند در برزیل آفتابی شود. به هر حال انگلیس در جام جهانی تاریخ‌ساز نشده، تاثیر چندانی نداشته و پی در پی در راه رسیدن به فینال ناکام می‌ماند، بله! در این جام ایتالیا، فرانسه، برزیل و آرژانتین هم هر‌دم سه‌شیرها بودند اما باید بدانید همه آنها بعد از قهرمانی انگلیس در جام جهانی ۱۹۶۶ حداقل یک بار (سه تیم، دو بار) جام جهانی را بالای سر برده‌اند و حتی فرانسه بیش از جزیره‌نشینان فینال را تجربه کرده است. اوضاع وقتی فاجعه‌بار می‌شود که در غیاب مدعیان ابداع فوتبال مدرن، یونان و دانمارک در لیست قهرمانان جام ملت‌های اروپا قرار دارند. انگلیس خارج از مرزهایش حتی رنگ نیمه‌نهایی یورو را به چشم ندیده است. پرتغال، روسیه و بلژیک یک بار در فینال حاضر بوده‌اند. با رسیدن اسپانیا و هلند به بازی نهایی جام جهانی

انگلیس در جدول «ناکام‌ترین بزرگ جهان» تنها شد. فوتبالی که خودش را پیشرو می‌داند و از استحقاق قهرمانی جهان دم می‌زند، کماکان باید به تنها افتخار نیم‌قرن پیش بنازد. لیگ برتر پر از پول و خارجی است. چطور می‌توان از آنجا بنای موفقیت را ساخت؟ البته تنها این یک عامل منفی شکست را رقم نمی‌زند. هلند کشوری کوچک با لیگی نه چندان تاثیرگذار به حساب می‌آید اما اکثر ستاره‌های نارنجی‌پوشان خیلی خوب با جو لیگ‌های خارجی کنار آمده‌اند و تجربیات آنجا را به تیم ملی تریق کرده‌اند. در سوی مقابل اسپانیا کشوری بزرگ و لیگی جهانی دارد. اکثر ستاره‌های سرخ‌پوشان یا در لیگ‌های خود شاغل هستند یا مانند فابرقاس در چند قدمی زادگاه، لباس مطرح‌ترین تیم‌های اروپایی را به تن دارند. امثال «فابِر» اصول اولیه فوتبال را در کشور خودشان آموخته‌اند. در اسپانیا و هلند بازیکن‌سازی یکی از اهداف اصلی به حساب می‌آید. در انگلیس چنین فاکتوری را کمتر می‌بینیم. شاید هم اصلاً نبینیم. تنها ۳۸ درصد بازیکنان لیگ برتر انگلیسی هستند در حالی که ۷۷ درصد لالیگایی‌ها و ۶۲ درصد بوندس لیگایی‌ها ملیت اسپانیایی و آلمانی دارند. پیام واضح است؛ یک لیگ قوی یک تیم قوی را می‌سازد. استیل مشابه فینالیست‌های جام جهانی ۲۰۱۰ نشان می‌دهد لیگ داخلی تا چه اندازه می‌تواند تاثیرگذار باشد. اسپانیا با راهیابی به فینال جام جهانی لکه ننگ «ناکام بزرگ جام جهانی» را از پیشانی‌اش پاک کرد و در عوض انگلیس تیم ناآرام قبل، حسین و بعد از بازی‌های سال ۲۰۱۰ تا اطلاع بعدی

این عنوان را در اختیار گرفت.

آلمان و اروگوئه هر دو راضی

لو نتیجه کلینزمن را تکرار کرد

«می‌خواهم چند روزی استراحت کنم و سپس در این باره تصمیم بگیرم. فکر می‌کنم صحبت کردن درباره قرارداد با فدراسیون فوتبال کمی زود است. می‌خواهم تصمیمی بگیرم که به سود هر دو طرف باشد.» لوکاس پودولسکی هم از کسب عنوان سومی ابراز رضایت کرد: «سومی هم موفقیت است و می‌توانیم به آن افتخار کنیم. قهرمان نشدیم اما سومی هم موفقیت خوبی به شمار می‌رود.» توماس مولر پدیده تیم ملی آلمان هم نظری مشابه داشت: «بسیار به این افتخار می‌کنم که سوم شدیم. برای ما خیلی مهم بود که به این دستاورد برسیم. برای کشور و برای همه ما این برد اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. قهرمان نشدیم اما سومی هم دستاورد بزرگی است. حالا باید به همین روند خود ادامه دهیم و از سوم شدن لذت ببریم.»

فیلیپ لام کاپیتان ژرمن‌ها هم نظر مشابهی دارد: «بسیار افتخار می‌کنم که سوم شدیم. برای ما بسیار مهم بود که جام جهانی را به شکلی مثبت به پایان ببریم.» جام جهانی هم عملکرد بسیار خوب و قابل توجهی داشتیم. حالا می‌توانم با خیال راحت به تعطیلات بروم.» ■ **سومی موفقیت است** پیش از شروع جام جهانی اکثر هواداران آلمانی تصور نمی‌کردند تیم‌شان تا نیمه‌نهایی بالا بیاید، با این حال پیروزی‌های پرگل مقابل انگلیس و آرژانتین موجب شد شاگردان جوان یواخیم لو تا مرز قهرمانی پیشروی کنند. در این شرایط اکثر اعضای تیم آلمان از کسب رتبه سوم راضی‌اند. یواخیم لو در این باره گفت: «باید سرمان را بالا بگیریم. با وجود اینکه تیم جوانی داشتیم، توانستیم مقام سوم را کسب کنیم و این واقعاً شایسته تقدیر است. وقتی به تیم‌های بزرگی نگاه می‌کنیم که در این رقابت‌ها یکی پس از دیگری از گردونه رقابت‌ها خارج شدند، به ارزش تلاش بازیکنان و نتیجه به دست آمده بیشتر پی خواهیم برد.» قرارداد او هنوز تمدید نشده است. او درباره آینده کاری‌اش هم توضیح داد:

مهبوت از ضربه زیبای فورلان بودند که داور مرکزی در سوت خود دمید. ستاره اروگوئه در این جام نایه‌شی تحسین‌برانگیز داشت و گل‌هایی زیبا به ثمر رسید. او در این بازی یک گل زیبا به ثمر رساند که پنجمین گلش در جام جهانی بود. مهاجم اتلتیکو مادرید پس از این دیدار جام جهانی را برای خودش و تیمش رویایی دانست: «با وجود شکست در دو دیدار نیمه‌نهایی و رده‌بندی، جام جهانی ۲۰۱۰ برای ما بسیار رویایی بود. شاید اگر از ابتدا به ما می‌گفتند در پایان مکان چهارم را کسب خواهیم کرد، هرگز باور نمی‌کردیم. حتی شایسته این بودیم که نتایج بهتری هم کسب کنیم اما تا حد زیادی بی‌تجربه بودیم. در همین دیدار مقابل آلمان زمانی که دو بر یک از حریف پیش بودیم، نتوانستیم بازی را اداره کنیم و در نهایت بازی را واگذار کردیم.» این بازیکن درباره درخشش خودش هم توضیح داد: «فصلی رویایی را پشت سر گذاشتم. به همراه اتلتیکومادرید در لیگ اروپا قهرمان شدیم. در

تابارس از نتایج اروگوئه در آفریقای جنوبی کاملاً ابراز رضایت کرد: «بدون شک پدیده این دوره از رقابت‌ها ما بود. هیچ کس گمان نمی‌کرد ما در پایان یکی از چهار تیم مرحله نیمه‌پایانی باشیم این آغاز فصل جدیدی از درخشش فوتبال اروگوئه در امریکای جنوبی و حتی در سطح جهان است.» در بازی شبه‌شب واکنش‌های ضعیف موسلرا دروازه‌بان اروگوئه از دلایل اصلی باخت این تیم بود، دروازه‌بان لاتزیو با قبول اشتباهاتش اعتراف کرد در باخت تیمش مقصر اصلی بوده است.

■ **بدشالی فورلان در ثانیه آخر**

در آخرین ثانیه‌های این بازی یک صحنه بسیار زیبا رقم خورد. فریدریش پشت محوطه جریمه سوازر را با خطا متوقف کرد تا یک ضربه ایستگاهی نصب اروگوئه شود. فورلان پشت توپ ایستاد و با ضربه‌ای استثنایی، دیرک افقی را به لرزه درآورد. توپی که اگر گل می‌شد، بازی را به وقت اضافه می‌برد و فورلان را شش گله می‌کرد. اروگوئه‌ای‌ها و آلمانی‌ها

آسبیدیدگی چنین اجازه‌ای به او نداد. به هر ترتیب هر دو تیم را باید در جمع تیم‌های موفق این جام دانست. آلمان با یک تیم جوان با ارائه نمایشی تحسین‌برانگیز در بیشتر بازی‌هایش سوم شد. اروگوئه هم پس از سال‌ها دور بودن از جمع تیم‌های برتر جهان یک بار دیگر به نیمه‌نهایی رسید. این دو تیم مجموعاً پنج بار قهرمان جام جهانی شده‌اند.

■ **تابارس: اروگوئه پدیده جام بود**

هشت‌پای پیشگوی آکواریم اوپر هوازون برتری آلمان را در این دیدار پیش‌بینی کرده و اسکار تابارس و شاگردانش نتوانستند به پیش‌بینی‌های این اختایوس معروف پایان دهند. سرمربی باتجربه اروگوئه پس از بازی تأکید کرد که آلمان در این دیدار برتری خاصی نسبت به تیم او نداشته است: «ها در این دیدار نمایشی پایاپای در مقابل آلمان داشتیم. بازیکنان من بار دیگر ثابت کردند در مقابل هیچ تیمی با پس نخواهند کشید. آلمان در این دیدار پیروز شد اما برتری خاصی نسبت به ما نداشت. نتیجه بازی به خوبی نشان می‌دهد ژرمن‌ها برای پیروزی تا چه اندازه سختی کشیدند. شاید اگر بازیکنان باتجربه‌تری در تیم داشتیم، می‌توانستیم برتری دو بر یک را حفظ کنیم.»

